رویداد

شهردار مشهد در نشست شورای سیاست‌گذاری جشنواره رسانه‌ای ابوذر:

فرهنگ‌سرای رسانه را در اختیار رسانه‌ها می‌گذاریم

گروه ادبیات و اندیشه| به گفته شهردار مشهد تنها ۲ درصد از اهالی رسانه با «فرهنگ‌سرای فناوری و رسانه» در ارتباطند. این امر به چیرگی فضایی راکد و سرد بر فرهنگ‌سرا انجامیده و از همین روست که محمدرضا کلائی پیشنهاد داده است این محیط در اختیار همه رسانه‌های استان قرار گیرد تا به فضایی بانشاط و زنده تبدیل شود.

شهردار مشهد این پیشنهاد را روز گذشته در نشست شورای سیاست‌گذاری چهارمین جشنواره ابوذر مطرح کرد. در این نشست که علاوه بر اعضای این شورا با حضور مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیمای خراسان رضوی و روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری مشهد و نیز مشاور شهردار و سرپرست روزنامه شهرآرا برگزار شد، کلائی گفت: برای توسعه فرهنگ شهروندی از طریق رسانه‌ها آماده همکاری با جشنواره رسانه‌ای ابوذر و حمایت از آن هستیم. دراین‌باره بخشی از فضاهای تبلیغات محیطی و تلویزیون‌های شهری و تالار شهر را برای برگزاری آیین پایانی جشنواره ابوذر در اختیار شورای سیاست‌گذاری جشنواره ابوذر قرار خواهیم داد.

او همچنین خاطرنشان کرد: شهرداری مشهد فرهنگ‌سرای رسانه را در اختیار دارد که متأسفانه حدود ۹۸ درصد از فعالان رسانه‌های استان در آن رفت‌وآمد ندارند. این موضوع فرهنگ‌سرا را به فضایی سرد مبدل کرده است. پیشنهاد می‌دهم این فرهنگ‌سرا با مدیریت شهرداری در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد تا با فعالیت اهالی رسانه به فضایی بانشاط و زنده تبدیل شود.

در ادامه این نشست، جعفر مروارید، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، نیز با تقدیر از اقدامات فرهنگی شهرداری مشهد گفت: امسال سال رونق تولید است. با شرایط کنونی، برای تحقق این شعار، به همدلی و هم‌افزایی در جامعه نیاز داریم و لازمه این موضوع نیز هم‌افزایی و همدلی رسانه‌هاست. جشنواره ابوذر به افزایش همدلی در میان رسانه‌ها کمک خواهد کرد.

محسن نصرپور، مدیرکل صداوسیمای استان، نیز با ارج‌گذاری به حمایت‌های شهرداری مشهد از حوزه فرهنگ، گوشزد کرد از مدیریت شهری انتظار می‌رود حامی برگزاری فاخر آیین پایانی جشنواره رسانه‌ای ابوذر باشد.

حسین حسامی، مدیر هسته گزینش و فرمانده حوزه مقاومت بسیج شهید اعلمی شهرداری و شورای شهر مشهد، دیگر شرکت‌کننده این برنامه بود که گفت: مشهد پایتخت فرهنگی ایران و جهان اسلام است و شهرداری مشهد با ۲۶۰ عنوان خدمت در رأس مجموعه‌های خدمات‌رسان به زائران و مجاوران قرار دارد.

چهارمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر در ۵ محور «عزم ملی برای تحقق گام دوم انقلاب»، «زیارت و فرهنگ شهروندی»، «رونق تولید»، «پیشرفت اقتصادی و مشارکت سیاسی» و «آسیب‌های اجتماعی» در خراسان رضوی برگزار می‌شود.

فراسو

جلال، تداوم جنجال

نگاهی به حاشیه‌های ریز و درشت این دوره از جایزه ادبی جلال آل‌احمد

امسال نیز جایزه ادبی جلال با معرفی کتاب‌های برگزیده و شایسته تقدیر به کار خود پایان داد اما همچون گذشته حاشیه‌ها دست از سرش برنداشته‌اند. حواشی این جایزه از همان دور نخست که برگزارکنندگان خود را ملزم به معرفی داوران ندانستند آغاز شد و در ادامه، مسائل دیگری را در بر گرفت. مثلا تا چند سال پیش مبلغ هنگفت جایزه اثر برگزیده (۱۱۰ سکه بهار آزادی) بحث‌برانگیز بود و بعد هم کاهش این مبلغ. یا در نمونه‌ای دیگر می‌توان از رویکرد ایدئولوژیک برگزارکنندگان یا منتقدان جایزه یاد کرد که در جای خود حاشیه‌ساز بوده است.

خبرگزاری مهر گزارشی از حواشی این دوره از جایزه ادبی جلال آل‌احمد منتشر کرده است که گزیده آن در ادامه می‌آید.

خداحافظی با بنیاد؟

نهاد برگزارکننده این جایزه بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان است اما شاید پس از این دیگر نامی از بنیاد به عنوان متولی آن برده نشود. بر پایه گزارش مهر، اگر اخبار و اطلاعات منتشرشده درباره ادغام مؤسسات تابع معاونت فرهنگی وزارت ارشاد درست بوده باشد و مدیران این معاونت در سال آینده و حتی اواخر امسال تصمیم به تغییر رویه خود درباره این مهم نگیرند، دوره اخیر واپسین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد با مدیریت نهادی با عنوان بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان بوده است. این جایزه در ۷ دوره اخیر خود با مدیریت مهدی قزلی به عنوان دبیر اجرایی و مدیرعامل این بنیاد راه به اجرا برد و در تمامی این ادوار با حاشیه همراه بود. جایزه ادبی جلال که در سال‌های اخیر بر سر ماهیت آن و اینکه باید چه آثاری را در کالبد خود به عنوان نامزد بپذیرد محل بحث و نزاع بسیاری بوده است، امسال با انصراف یکی از نامزدهای بخش رمان و داستان بلند نیز همراه بود. گفت‌وگوی قباد آذرآیین، نویسنده رمان «فوران»، با چند رسانه به نوعی حاکی از آن بود که این نویسنده تمایلی به حضور در جمع نامزدهای یک جایزه دولتی را ندارد. از سویی، اگر انتخاب نشدن اثر برگزیده در بخش «مجموعه داستان» و «رمان و داستان بلند» را که به نوعی مهم‌ترین بخش‌های این جایزه هستند به این موضوع اضافه کنیم، حاصل چیزی جز همان چربش فضای جایزه به سمت حاشیه نیست.

صدای دریل در آستانه آغاز مراسم

انتخاب رمان «وضعیت بی‌عاری» به عنوان اثر شایسته تقدیر نیز با حاشیه‌های زیادی همراه بود. همچنین جایزه جلال در مراسم اختتامیه خود حاشیه‌های ریز و درشت دیگری هم داشت، از نصب کردن تابلوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با دریل روی تریبون درست چند لحظه قبل از آغاز مراسم، تا تپق‌زدن‌های چندباره سخنرانان در حین خواندن متنی از پیش‌نوشته‌شده و نیز پرکردن بیشتر سالن با داستان‌نویسان دوره آموزشی آل‌جلال ...

هوای تازه

کتاب باید ارزش هزینه و زمان مخاطب را داشته باشد

گفت‌وگو با مرتضی قربانیون، نویسنده جوان مشهدی

خادم- معمولا کسی را نویسنده خطاب می‌کنند که اثری از او منتشر شده باشد. با این تعریف، بسیاری از آن‌هایی را که به نویسندگی مشغول هستند، از دایره کنار گذاشته‌ایم و این در حالی است که آمدن نام و نام‌خانوادگی پشت جلد کتاب کسی را نویسنده نمی‌کند. مرتضی قربانیون از داستان‌نویسان جوان مشهد است که حدود یک دهه می‌شود که به نوشتن گرفتار است، اما کتابی مستقل چاپ نکرده است. از او تاکنون ۲ داستان کوتاه در مجله همشهری داستان منتشر شده است و به گفته خودش، نگارش ۲ رمان را هم تمام کرده است و در مرحله بازنویسی یکی از آن‌هاست. برای آشنا شدن با این نویسنده با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

از شعر به داستان رسیدم

قربانیون متولد سال ۶۵ است و مانند بسیاری از نویسندگان از شعر آغاز کرده و به داستان‌نویسی رسیده است. او می‌گوید: از سال ۸۸ کارم را با شعر شروع کردم اما بعد دیدم برای زدن حرف‌ها داستان محمل بهتری دارد و با کمک شخصیت‌پردازی و فضاسازی و موقعیت ایجاد کردن و ماجرا پیش بردن، بهتر می‌شود درون یا افکار و عقاید را مطرح کرد. معتقدم در داستان آدم بهتر می‌تواند حرف بزند تا در شعر که باید درگیر عروض و قافیه شوی. در هر صورت، از حدود سال ۹۱ به صورت جدی به داستان‌نویسی رو آوردم. من در نوشتن بیشتر دغدغه‌های اجتماعی دارم. همچنین شخصیت آدم‌ها، رنج‌هایی که دارند، تنهایی‌ها و شکست‌ها و امیدهایشان برایم جالب بوده است.

هم داستان کوتاه می‌نویسم هم رمان

بسیاری از نویسندگان نوشتن را با داستان کوتاه شروع می‌کنند و قربانیون هم جزو این دسته است، اما او قصد چاپ کردن مجموعه داستان ندارد: هم رمان و هم داستان کوتاه نوشته‌ام، البته بیشتر داستان کوتاه. مجله همشهری داستان تاکنون ۲ داستان از من چاپ کرده است. عنوان یکی «نیمکت» و دومی «صداها» است. به نظر من مشکلی که داستان کوتاه دارد این است که به اشباع رسیده است. از طرفی با توجه به خرابی بازار نشر و اینکه اقبال مخاطبان بیشتر به سمت رمان است، ناشران هم از مجموعه داستان کمتر استقبال می‌کنند. فکر می‌کنم بهتر است اگر بتوانم اول رمانم را چاپ کنم، چون اگر رمانم دیده شود، بعدش می‌توانم داستان‌های کوتاهم را چاپ کنم. انتظار خودم زیاد است و می‌خواهم زمانی مجموعه داستانی منتشر کنم که بدانم اثر خوبی است. به متوسط هم راضی نیستم. نوشتن ۲ رمان را تمام کرده‌ام، اما چون برای نوشتن وسواس دارم، زیاد بازنویسی می‌کنم. امید دارم تا آخر سال بازنویسی یکی از آن‌ها را تمام کنم و سال آینده این رمان را برای ناشرها بفرستم. او ادامه می‌دهد: این نگاه شاید آرمان‌گرایانه باشد، اما یک دهه نوشتن هنوز عمر کمی برای نوشتن است. هنوز باید زیاد بخوانم و تجربه کنم. باید به حدی برسم که خودم بدانم کارم ارزش چاپ شدن دارد و مخاطب هم بابتش پول خرج می‌کند. با این وضع بازار کاغذ، اگر مخاطب پولی خرج می‌کند باید اثری بخرد که ارزش صرف هزینه و زمان را داشته باشد. در غیر این صورت، چاپ کتاب توهین به مخاطب است. از طرفی، برای خود نویسنده هم شکست است. خیلی‌ها با عجله رفته‌اند و کتاب چاپ کرده‌اند اما کارهایشان دیده نشده است. فکر می‌کنم اگر کتاب دیرتر منتشر شود اما کیفیت آن بیشتر باشد، بهتر است. گام اول خیلی مهم است. حتی نویسنده‌ای چون ساعدی هم ناراحت بود که اولین داستانش خوب نبوده است.

نقدها در مشهد تند و تیزتر است

از این داستان‌نویس درباره فضای ادبی مشهد می‌پرسیم که یادآور می‌شود: نویسنده‌ها و کسانی که در محفل‌های ادبی مشهد حضور پیدا می‌کنند، خیلی سخت‌گیرتر از آن‌هایی هستند که در نشست‌های دیگر شهرها شرکت می‌کنند. نقدهای تند و تیزتری دارند. نکته دیگری که می‌توان درباره فضای ادبی مشهد گفت این است که ما استعدادهای زیادی در این شهر داریم اما آن‌طور که باید دیده نمی‌شوند، کسانی مثل کاظم آقایی که بعدها بیشتر در فضای ادبی کشور دیده خواهند شد.

فوتوشهر
www.photoshahr.ir

آگهی مزایده
موضوع: مزایده بهره برداری از فروشگاه های شهرما
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد بهره برداری از پنج فروشگاه ارزاق عمومی و میوه و تره بار شهرما به شرح مندرج در اسناد مزایده را از طریق مزایده واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی دارای سوابق فعالیتی مرتبط دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی مشهد بلوار وکیل آباد حدفاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانها مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۳:۱۵ روز پنج شنبه مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۰۵
مبلغ سپرده شرکت در مزایده: معادل ۵ % مبلغ پیشنهادی سالیانه برای هر بازار
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳ - ۳۱۲۹۸۰۶۵ تماس حاصل نمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد)
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

جستار

نگاهی به فیلم «به سوی ستارگان» (۲۰۱۹)

فاصله انگشت هیولا با روح تو یک لایه نازک و شکننده بود

کاظم کلانتری| زمان‌هایی هست که طرح و برنامه کیهان را در چشمان خودمان روبه‌روی آینه یا در چشمان دیگری یا در خطوط درهم و برهم کف دستمان می‌بینیم؛ البته نه به‌سادگی و در فرآیندی ارادی بلکه با دشواری و در مسیری تیره و تار، آن‌وقت‌هایی که انتظار هیچ نور و نشانه‌ای نداریم اما ناگهان حلقه‌هایی که سال‌ها برایمان درهم بوده‌اند باز می‌شوند. این واقعیت برای من این‌گونه بود: زمانی به تصویر پدربزرگم در تلفن همراهم نگاه می‌کردم البته با افسوسِ از دست‌دادنش. پیش می‌آید تصویر کسی که دوستش دارید شما را به خاطره یا لحظات خاصی پرتاب می‌کند اما بعید می‌دانم روی‌هم‌افتادن دو هستی به جلو رفتن و پیشرفت خاطره امان بدهد. وقتی همه‌چیز در یک لحظه متوقف می‌شود و تو به خودت برمی‌گردی نه به خودِ الانت، بلکه به خودی که بوده‌ای و یا خواهی بود. صفحه شیشه‌ای تلفن همراهم آینه شده بود و انعکاس صورت من در صورت پدربزرگم و روی هم افتادن آن‌ها چیزی شد شبیه دیدن تاریخ، چیزی شبیه آگاهی از آینده، لابه‌لای فرآیند درحال‌تغییرِ جوان شدن پدربزرگم و پیرشدن من. در آن لحظه فاصله دو جهان، دو انسان، دو هستی، و دو تاریخ یک لایه نازک و شکننده بود، همان لایه شیشه‌ای کلاه «روی مک‌براید» (برد پیت) که در سفر حماسی‌اش، کهکشان در آن منعکس می‌شود و فضای تاریک بین ستاره‌ها.

«روی» پسر خلف «کلیفورد مک‌براید» (تامی لی جونز) است که ضربان قلبش در هیچ مأموریتی بالاتر از ۸۰ نرفته و زندگی‌اش (همسرش) را فدای سفر به فضا کرده است. مأموریت جدید او چیست؟ پیدا کردن پدرش، اسطوره فضانوردی «اسپیسکام»، که ۳۰ سال پیش در پروژه‌ای با نام «لیما» به فضا رفته و هرگز برنگشته است؛ کسی که بر شانه‌های نیل آرمسترانگ ایستاده و اولین کسی بوده که پا روی برخی از سیارات منظومه شمسی گذاشته است. او زنش را بیوه کرده و پسرش را یتیم تا این نظریه علمی را شکست بدهد: غیر از ما موجود هوشیار دیگری در کهکشان وجود ندارد. کار او و همچون آرمسترانگ به زمان و مسافرت زیاد نیاز دارد و البته به فداکاری و از همه‌چیز گذشتن. قطعا فیلم «به‌سوی ستارگان» (۲۰۱۹) مثل مستند تحسین‌شده «آپولو ۱۱» (۲۰۱۹)، که بر مأموریت پانهادن اولین انسان روی ماه متمرکز است، مطابق باواقعیت نیست، اما در جهان خودش آینده‌ای محتمل را تصویر می‌کند، آینده‌ای هم برای امید و هم برای ستیز. در برابر چنین فیلمی که بیش از علم، بر لایه‌های هستی‌شناختی، روان‌شناختی و فلسفی‌اش تکیه کرده نمی‌توان کتاب «فیزیک در سینما»، نوشته تام راجرز، به دست گرفت و از خطاهای علمی داستان فیلم گفت. «به سوی ستارگان» را باید احساس کرد، با همان چشم کیهانی تماشایش کرد و درون را برای روح بی‌قرار و تاریکش گشود. درواقع فیلم جیمز گری کیهان و فضای ناشناخته آسمان را بستری می‌کند برای کنکاش در رابطه یک پدر و پسر، نه به‌اندازه «در میان ستارگان» (۲۰۱۴) هیجان‌انگیز و خلاقانه، و نه شبیه «۲۰۰۱: ادیسه فضایی» (۱۹۶۸) عمیق و فلسفی. اجرای فضایی جیمز گری چیزی میان آن‌هاست و به‌اندازه خودش سیاه و تاریک؛ به همین دلیل باید آن را با بازخوانی تفسیری‌ای بدانیم از داستان «دل تاریکی» جوزف کنراد و فیلم «اینک آخرالزمان» فورد کاپولا.

«به سوی ستارگان» در کنار هم‌خانواده‌هایش، «مریخی» (۲۰۱۵) و «جاذبه» (۲۰۱۳)، یک حماسه ماجراجویی شخصیت‌محور است که دورترین نقطه منظومه شمسی را برای روایت داستانش برگزیده: نپتون. اما هیجان‌انگیز این است که برای این سفر، ایستگاه‌هایی هم وجود دارد که هرکدام واجد جذابیت یک داستان جداگانه هستند: ماه و گنگسترهایی که قسمتی از آن را تصرف کرده‌اند و مریخ که انگار پایگاه‌های تحقیقاتی «ارسا» نزدیک آن روی حیوانات و به‌خصوص میمون‌ها آزمایش انجام می‌دهند. البته که این‌ها همه راه پرپیچ و خمی است برای رسیدن به تفسیر داستان از روح و روان انسان و ارتباطش با فضا. اگر گزارش‌های لوکا پارمیتانو، فضانورد آژانس فضایی اروپا، را که از سفینه‌اش در فضا برای «یورونیوز» می‌فرستد دیده باشید کمی داستان تغییرات روحی فضانوردان فیلم «به سوی ستارگان» و آزمایش‌های روانی‌ای را که مرتب می‌گذرانند برایتان باورپذیرتر می‌شود.

چه چیزی می‌تواند فضانوردی را مجبور کند از کنار موتور روشن، داخل سفینه در حال صعود شود؟ پیداکردن ناشناخته‌های فضایی می‌تواند انگیزه کافی باشد؟ خیر اما اگر بخشی از این ناشناخته‌ها را زندگی پدرت تشکیل بدهند که همه می‌گویند برای پیدا کردن هوش در فضا هوش از کف داده و جایی در لبه منظومه شمسی کنار سیاره نپتون هنوز زنده است کمی اوضاع فرق می‌کند. برای مک‌برایدِ پدر پیداکردن موجودات هوشیار در بیرون از زمین مهم‌تر از نابودی زمین و ساکنانش است؛ او مجنونِ فضای تاریک و هیولاوار میان ستارگان شده است. حالا مک‌برایدِ پسر که کمی روحیات و جسارت پدر را به ارث برده باید از دل تاریکی بگذرد و در آستانه یک دو راهی انتخابی انجام دهد: نابودی یا کشف، شبیه پدرشدن یا راه دیگر رفتن و از گناهان پدررنج‌بردن. بخشی از ترس و شک و تردیدهای «روی» در سفر پیش‌بینی‌ناپذیرش به کمک نقش‌آفرینی برد پیت و صورت و چشمانش که از پشت شیشه کلاهش می‌بینیم قابل درک شده است؛ همان شیشه‌ای که در سفر میان‌ستاره‌ای، کهکشان را در آن می‌بینیم، و در لحظه دیدار پدرش سرنوشت همه انسان‌ها را: چشم‌ها در چشم‌ها خیره می‌شوند و چهره پدر در یک انعکاس و مواجهه جوان می‌شود و چهره پسر، پیر. این همان نقطه خودشناسی در جنگ امید و ستیز است، جایی که سکوت کهکشان، فریاد انسان هوشمند را در میان گاز و تاریکی می‌بلعد.

نگارستان

میزبانی نگارخانه‌های مشهد از نمایشگاه‌های هنری

افخمی| در آخرین هفته آذر، هنرمندان بسیاری در شاخه‌هایی چون عکاسی، نقاشی و صنایع دستی آثارشان را در نگارخانه‌های مختلف شهر در معرض دید عموم قرار داده‌اند. این نمایشگاه‌ها تا روزهای پایانی هفته برای بازدید علاقه‌مندان ادامه خواهد داشت.

۱ نگارخانه ارغوان میزبان نمایشگاه گروهی خوش‌نویسی «نقش دل» است. در این نمایشگاه منتخب، آثار خوش‌نویسی سیده زینب حسینی، حمیده سادات رضوانی، سولماز آرزومندان، مطهره الهامی، سینا صابری، ملیحه صابری پستچی، سارینا دلقندی، امیرعلی رضایی، نینا رمضانی‌اول، ارسلان پارسی حسن‌زاده، افسانه حمیدفر، دینا وفایی‌نژاد، سیده‌مبینا تاجیک، بی‌بی‌زهرا طباطبایی قمی، زهرا خبیری، مهتاب شوکتیان، بهاره فدایی و فاطمه کریمی به نمایش گذاشته شده‌است. نمایشگاه «نقش دل» تا پنجشنبه ۲۸آذر در نگارخانه ارغوان برپا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند در طول دوران برگزاری، از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به محل این نگارخانه در بولوار سجاد، بین سجاد۲ و ۴، پلاک ۸۶ بروند.

۲ نمایشگاه عکاسی «دربرابر بیکرانی» دیگر نمایشگاهی است که این روزها در مشهد برگزار می‌شود. در این نمایشگاه که در نگارخانه روند برپا شده، عکس‌های دیجیتال و آنالوگ سهیلا سعیدی و پارسا نیازی به نمایش گذاشته شده‌است. هنردوستان برای بازدید از این آثار می‌توانند تا چهارشنبه ۲۷آذر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به نگارخانه روند در بولوار خیام، ارشاد۶، خیابان هجرت، پلاک ۷۲ مراجعه کنند.

۳ نگارخانه رادین نیز این روزها میزبان یک نمایشگاه صنایع دستی است. در این نمایشگاه منتخب، آثار زهرا رئیس‌السادات، سحر پرهیزکار، سپیده پرهیزکار، سپیده شهابی، سپیده ترکی، زهره عظیمی، الهه بهیاری و لعیا اسلامی‌زاده به نمایش گذاشته شده‌است. این نمایشگاه صنایع دستی تا چهارشنبه ۲۷آذر در محل نگارخانه رادین واقع در بولوار سجاد، حامدجنوبی ۱۲، پلاک ۱۰۸ ادامه خواهد داشت.

۴ نمایشگاه نقاشی انفرادی «بانگ نای‌ونی» که از ۲۳آذر در نگارخانه آذرنور آغاز به کار کرده است، تا سه‌شنبه ۲۶آذر ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه، آثار نقاشی فریبا حاجی سیداسداله در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. «بانگ نای‌ونی» در طول دوران برگزاری از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در نگارخانه آذرنور واقع در خیابان راهنمایی، راهنمایی ۱۰، پلاک ۲۰ میزبان هنردوستان مشهدی است.

۵ نگارخانه آسمان نیز میزبان یک نمایشگاه گروهی عکس است. در این نمایشگاه که «سمفونی چشم‌ها» نام دارد، آثار هنرجویان دوره عکاسی مهدی پورعبادی به نمایش گذاشته شده‌است. این نمایشگاه تا سه‌شنبه ۲۶آذر برپا خواهد بود و علاقه‌مندان برای بازدید از آثار آن می‌توانند از ساعت ۱۸ تا ۲۱ به نگارخانه آسمان در نبش وکیل‌آباد ۳۸، بین هتل پارس و خیابان سرو، مراجعه کنند.

زندگی با سینما

از تردید تا «خسوف»

گفت‌وگو با فیلم‌ساز مشهدی که اثرش در جشنواره سینماحقیقت امسال درخشیده است

غلامرضا زوزنی| «دغدغه‌ها و تردیدهای زارعیان من را یاد فیلم‌ها، زندگی، تفکرات و تردیدهای مذهبی برگمان می‌اندازد. فیلم، دیدنی است و فارغ از موضوعش، خیلی خوب ساخته شده است.». این را هوشنگ گلمکانی، سردبیر مجله «فیلم»، در ستایش فیلم «خسوف»، ساخته محسن استادعلی با تهیه‌کنندگی خودش و مسعود زارعیان می‌گوید. بیش از شش سال بود که طرح «خسوف» در ذهن زارعیان، فیلم‌ساز مشهدی، می‌چرخید تااینکه بعد از ضبط بخشی از تصاویر آن و پیشبرد بخشی از تولید، او از محسن استادعلی می‌خواهد که پای کار بیاید و فیلم را کارگردانی کند. استادعلی هم که این فیلم را با همه ساخته‌هایش متفاوت می‌بیند، می‌پذیرد و با کمک زارعیان فیلم را در مشهد تولید می‌کنند و مراحل بعد از تولید را در تهران پشت‌سر می‌گذارند.

زارعیان در گفت‌وگو با شهرآرا، با وسواس کلمات را برای بیان انگیزه‌اش از ساخت این فیلم انتخاب می‌کند و آن‌ها را به زبان می‌آورد: «می‌خواستم فیلمی درباره این موضوع بسازم تا اهمیت و شأن لباس روحانیان را به جامعه یادآوری کنم.».

زارعیان مشغول تحصیل در حوزه علمیه است و «درس خارج» می‌خواند و در مدارس حوزوی مشهد، مشغول فعالیت‌های هنری نیز هست. او که ازطرفی به تبلیغ دین عشق می‌ورزد و از طرف دیگر فکر می‌کند باید سینماگر شود، در تردیدی فرورفته که باعث شده است آن را در «خسوف» با همه درمیان بگذارد.

نتیجه همکاری او و استادعلی هم می‌شود حضور در جشنواره سینماحقیقت و توجه مخاطبان، منتقدان و داوران که باعث می‌شود در شش بخش اصلی، نامزد دریافت جایزه شود و همچنین نامزد دریافت جایزه «هنروتجربه» بشود.

در ادامه، بخشی از گپ‌وگفت ما را با این طلبه فیلم‌ساز جوان مشهدی می‌خوانید.

حقیقت و اهمیت لباس روحانیان

زارعیان در ابتدا قصد داشته پژوهشگر و تهیه‌کننده باشد اما پا که در عرصه تولید گذاشته، متوجه شده است بعضی حرف‌هایش را هیچ‌کس به غیر از خودش نمی‌تواند بزند و همین می‌شود که کارگردانی را برمی‌گزیند.

او هرچه در فیلم‌سازی فعالیت می‌کند و در کنار آن درسش را در حوزه دنبال می‌کند، دچار تناقض‌ها و تردیدهایی می‌شود. خودش این تردیدها را این‌گونه روایت می‌کند: به‌شدت سخنرانی و تبلیغ دین و خدمت به مردم را با لباس روحانیون دوست دارم. فکر می‌کنم طلبه تا ملبس نشود، اصلا طلبه و روحانی نیست، فقط یک آدم متدین است. گمان می‌کنم این لباس است که به روحانیان و حوزه علمیه شأن می‌دهد؛ برای همین ملبس شدم. جلوتر که رفتم، دیدم لباس روحانیان با فضای فیلم‌سازی همخوانی ندارد. ترسیدم که نکند با فیلم‌سازی‌ام نتوانم شأن لباس روحانیان را حفظ کنم. هرچه جلوتر می‌رفتم، این تناقض برای من بزرگ‌تر می‌شد و بیشتر احساسش می‌کردم. ازطرفی نمی‌توانستم به‌کلی لباس روحانیت را کنار بگذارم.

زارعیان می‌گوید: من از آن دسته آدم‌هایی نیستم که بتوانم هم‌زمان هم لباس روحانیان را به تن داشته باشم و هم کار فیلم‌سازی‌ام را دنبال کنم. او می‌گوید: فردی که می‌خواهد تفکر حوزه‌های علمیه را دنبال کند، حتما باید لباس بپوشد: «قائل به این هستم طلبه‌ای که ملبس است، موقعیتش با فضای سینما و کارگردانی همخوانی ندارد.»

لباس را خراب نکنید!

به نظر این فیلم‌ساز، نمونه‌ای از این تردیدها در ناخودآگاه همه مردم وجود دارد. او از همین تردید و مضمون کمک گرفته و درونمایه و پیرنگ فیلمش، «خسوف» را بر آن استوار کرده است: «با کمک این مضمون می‌خواستم حرفی اساسی را به همه روحانیان و طلبه‌هایی که وارد حوزه علمیه می‌شوند، بزنم و آن، این بود که خواهش می‌کنم قبل از انتخاب لباس روحانیت فکر کنید آیا می‌توانید با پوشیدن این لباس به دین و مردم و کشور خدمت کنید یا خیر. فکر کنید. تحقیق کنید. وقت بگذارید و ببینید اگر شرایطش را ندارید، این لباس را خراب نکنید و شأنش را زیر سوال نبرید. مردم هم وقتی می‌بینند که یک روحانی ملبس در رفتار و سکناتش اشتباه می‌کند، از همه‌چیز زده می‌شوند.»

او می‌گوید چون عاشق لباس روحانیت است، تردید کرده است که نکند وقتی با این لباس کار فیلم‌سازی می‌کند، به شأن و جایگاه آن لطمه بزند: «این تردید دامن خانواده‌ام، مادرم، همسرم، برادرم و دوستان نزدیکم را که مشتاق بودند مرا با لباس روحانیت ببینند، گرفت. می‌خواستم اگر قرار است در این سینما تنها یک فیلم بسازم، همین فیلم باشد؛ چراکه این فیلم، حرف مهم من است و هیچ‌کس جز من نمی‌توانست این حرف را به‌درستی و دقت بیان کند؛ چون من سال‌هاست با این تردید کلنجار می‌روم. دوست داشتم با این فیلم در حد خودم، شأن لباس روحانیان را گوشزد کنم.».

رسیدگی به تردید

به نظر می‌آید این فیلم‌ساز مشهدی در تردید میان فیلم‌سازی و لباس روحانیت، طرف سینما را گرفته است اما خودش این موضوع را قبول ندارد. در زمان‌هایی مانند ماه مبارک رمضان یا روزهای عزاداری امام‌حسین(ع) که طلاب و روحانیان برای تبلیغ دین به مناطق مختلف کشور می‌روند، اودر کسوت روحانیت عازم شهرها و روستاها می‌شود و در آنجا به تبلیغ دین می‌پردازد: «با لباس روحانیت سعی می‌کنم به مردم خدمت کنم. گاهی برایشان از دین و اهل‌بیت(ع) می‌گویم و گاهی با کمک خیران در حد توانم به امور معیشتی‌شان رسیدگی می‌کنم.»

«خسوف» با تردید شروع می‌شود و مخاطب را در همان تردید رها می‌کند. از واکنش مخاطبان به این فیلم که در فضای مجازی منتشر شده است، می‌توان دریافت که تا چه اندازه با اصل موضوعی که فیلم مطرح کرده است، ارتباط برقرار کرده‌اند. آن‌ها بعد از تماشای فیلم به‌دنبال تردیدهای زندگی‌شان می‌گردند تا با آن‌ها کنار بیایند. دستاورد دیگری که «خسوف» داشته است، تعدیل نگاه مخاطبانش به روحانیان است. بخشی از آن‌ها به واقعی شدن نگاهشان به خانواده‌های روحانیان هم اقرار کرده‌اند. هرچند «خسوف» منتقدانی هم میان مخاطبان خود دارد، اقشار مختلف مردم با هر سلیقه و دیدگاهی به تماشای آن نشسته‌اند.

پیش به‌سوی درونیات

با پیشرفت امکانات سینمایی، فیلم‌ها به درون انسان‌ها راه پیدا کرده‌اند و درونیات افراد را واکاوی می‌کنند. این دست از فیلم‌ها اگر صادقانه مسائل خود را طرح کنند، فارغ از اینکه چه مضمونی دارند، مخاطب با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند؛ درست مانند «خسوف» که صادقانه و به‌دور از دستکاری واقعیت، تردیدهای درونی یک طلبه را به تصویر کشیده است. همین هم موجب شده است که مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار بگیرد؛ هرچند سینما به‌ویژه سینمای مستند، نیازمند همه گونه‌های فیلم‌سازی با تنوع متون است.

صاحب خبر

«سینماحقیقت» به مشهد رسید

نگار راد| سرانجام جشنواره «سینماحقیقت» هم‌زمان با آخرین روز برگزاری این جشنواره در تهران، به مشهد رسید. در این دوره که هم‌زمان در ۲۰شهر غیر از تهران برگزار می‌شود، سینمادوستان مشهدی می‌توانند ۲۳فیلم از مجموع ۱۱۴فیلم ایرانی حاضر در بخش‌های ملی و جایزه شهیدآوینی را در ۲پردیس سینمایی هویزه و اطلس به تماشا بنشینند.

بنا به گفته محمدرضا محمدی، معاون امور هنری و سینمایی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان‌رضوی، اکران گزیده فیلم‌های جشنواره «سینماحقیقت» در ۳سئانس ۱۶، ۱۷:۳۰ و ۲۰ در مدت ۵روز میزبان علاقه‌مندان به سینما به‌ویژه سینمای مستند خواهد بود.

فیلم‌های مستند «مادرجبهه‌ها»، «مرهم»، «عالیجناب»، «رهبری»، «جایی برای فرشته نیست»، «روزی که رفت»، «رنج زیر پوست»، «فرزندان شب»، «صحنه‌ای از یک جدایی»، «زمستان است»، «قرقیان»، «آبشار»، «جمیله»، «خانه سنگی»، «آن‌ها»، «قیچی»، «تنها چند متر»، «ماهر»، «سیزده‌هزار قدم»، «آهسته و آرام»، «عروسکان»، «دموکراسی» و «چشم‌ها و دست‌ها» در مشهد به نمایش درخواهد آمد.

سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» که از ۱۸ آذرماه امسال به دبیری محمد حمیدی‌مقدم در پردیس سینمایی چارسو تهران آغاز شده بود، امروز با معرفی برترین‌های خود به پایان خواهد رسید.

همراه با فجر ۹۸

فیلم برادران محمودی در جشنواره

فیلم سینمایی «مردن در آب مطهر» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی، یکی از متقاضیان حضور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر است. برادران محمودی که ساخت فیلم‌های «شکستن هم‌زمان بیست استخوان»، «رفتن» و «چندمترمکعب عشق» را در کارنامه دارند، این‌بار نیز به‌سراغ روایت داستانی عاشقانه رفته‌اند. عاشقانه تازه این دو سینماگر، قصه چند جوان مهاجر افغانستانی را روایت می‌کند که قصد رفتن به اروپا را دارند. «مردن در آب مطهر» این روزها مراحل تدوین، ساخت موسیقی و صداگذاری خود را پشت‌سر می‌گذارد. همچنین با نزدیک شدن به زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر، روز گذشته از لگوی این فیلم که بهزاد خورشیدی طراحی‌اش کرده است، رونمایی شد. در این فیلم، علی شادمان، ندا جبرائیلی، متین حیدرنیا، صدف عسکری، سوگل خلیق، علیرضا آرا، امیررضا رنجبران، خیام وقار، پیمان مقدمی، مهتاب جعفری، فرید اسحاقی، فاطمه شکری، محیا رضایی، فاطمه میرزایی و علیرضا مهران به ایفای نقش می‌پردازند.

«مغز استخوان» در راه فجر ۹۸

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «مغز استخوان» به کارگردانی حمیدرضا قربانی و تهیه‌کنندگی حسین پورمحمدی به پایان رسید و این فیلم اکنون وارد مراحل آماده‌سازی فنی شده است تا بتواند در موعد مقرر برای حضور در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر آماده شود.

«مغز استخوان» دومین فیلم سینمایی حمیدرضا قربانی پس از «در خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» در مقام کارگردان است که با فیلم‌نامه‌ای از علی زرنگار و مضمونی اجتماعی، آماده و پیش‌بینی می‌شود که اولین نمایش آن در جشنواره فجر ۳۸ باشد.

این فیلم با فیلم‌نامه‌ای از علی زرنگار و مضمونی اجتماعی و با حضور بازیگرانی چون پریناز ایزدیار، بابک حمیدیان، نوید پورفرج و جواد عزتی آماده نمایش می‌شود. بهروز شعیبی، سینماگر مشهدی، نیز در این فیلم به‌عنوان بازیگر حضور دارد.

نگارستان

تمدید اجرای «دریاچه قو» در تهران

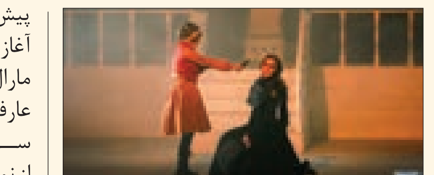

گروه هنر| نمایش «دریاچه قو» به کارگردانی رضا صابری که از ۲۶آبان در سالن استاد ناظرزاده کرمانی در پایتخت اجراهای خود را آغاز کرده است، با گذشت نزدیک به ۲۰اجرا، همچنان با استقبال مخاطبان، روی صحنه است. به همین دلیل با همکاری مدیران تماشاخانه ایرانشهر، اجرای این نمایش تا ۴دی تمدید و پیش‌فروش روزهای جدید آن در سایت تیوال آغاز شده است. در «دریاچه قو» مهران امام‌بخش، مارال فرجاد، ستایش رجایی‌نیا، مجتبی شفیعی، عارفه معماریان، عاطفه پوربهرام و محبوبه سلطانی نقش می‌آفرینند. «دریاچه قو» یکی از نمایندگان مشهد در سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بود که در ۱۰بخش، نامزد دریافت جایزه شد و درنهایت تندیس بهترین کارگردانی، بهترین بازیگری زن، بهترین موسیقی، بهترین طراحی حرکت و دیپلم افتخار بهترین بازیگری زن، بهترین طراحی گریم، بهترین طراحی نور و بهترین آرایه‌های صوتی را از آن خود کرد.

تماشاخانه

برگزاری نشست هم‌اندیشی «تئاتر ایران و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری»

گروه ادبیات نمایشی موسسه آموزش‌عالی اقبال لاهوری قصد دارد به‌مناسبت ۱۸دسامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت و افراطی‌گری، نشست هم‌اندیشی «تئاتر ایران و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» را با حضور اهالی تئاتر برگزار کند. در این نشست قرار است درباره محورهایی چون نقش تئاتر در دست‌یابی به جهانی بدون خشونت و افراطی‌گری، تئاتر ایران، خشونت‌زدایی و تساهل‌ورزی، متافیزیک درام، برهوت حقیقی خشونت، درام‌نویسان ایرانی و گفت‌وگومداری، بحث و گفت‌وگو شود. محمدرضا امیری، نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر، علی حاتمی‌نژاد، نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر، جواد اشکذری، نویسنده، کارگردان و منتقد تئاتر، مهسا غفوریان، نویسنده و کارگردان تئاتر و شادی غفوریان، نویسنده، کارگردان و مترجم تئاتر، سخنرانان این نشست هم‌اندیشی هستند که ساعت ۱۶:۳۰ سه‌شنبه ۲۶آذر ۱۳۹۸ در تالار کنفرانس موسسه آموزش‌عالی اقبال لاهوری، واقع در خیابان سرافرازان۹ برگزار می‌شود.